مدیریت شهری
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015
۲۵۷-۲۷۲
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱/۱۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۸/۸

اثرات طراحی فضاهای شهری و معماریِ جمع گرا بر تعاملات و ارتباطات اجتماعی

امید تبریزی* - فارغ التحصیل موسسه غیرانتفاعی ساریان، رشته معماری، ساری، ایران.
مصطفی مختاباد امرئی - استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس، گروه پژوهش هنر، تهران، ایران.
محسن فیضی - استاد تمام دانشگاه علم و صنعت، گروه معماری، تهران، ایران.

چکیده
ظهور معماری مدرن در برخی شهرهای کشورهای درحال توسعه سبب تغییر بعضی ساختارهای اجتماعی در آن جوامع شده است؛ چنانچه در شهرهای بزرگ ایران نیز افزایش ارتفاع ساختمانها، تراکم ساخت و ساز، تراکم جمعیت و سایر عوامل سبب شده است که ارتباطات مردمی با یکدیگر افزایش پیدا کرده و تعاملات اجتماعی کاهش پیدا کند. افزایش تعاملات اجتماعی سبب ارتقای حس سرزندگی، افزایش اعتماد اجتماعی، افزایش مشارکت های فرهنگی، کاهش جرم خیزی میشود که ازجمله اهداف طراحی شهری و معماری به حساب می آید. در این پژوهش نوع طراحی بر اساس جمع گرایی و تاثیر آن بر افزایش تعاملات و نیز عوامل کالبدی تاثیر گذار بر تعاملات اجتماعی را شناسایی کردیم تا با درک صحیح از طراحی شهری و معماری جمع گرا و شناخت ویژگی فضاهایی که در آن تعاملات اجتماعی به میزان بیشتری جریان دارند به اهداف موردنظر اجتماعی دست پیداکنیم. در این پژوهش دریافتیم که وجود فضاهای جمعی از جمله فضاهای سبز، فضای ورزش، فضای بازی کودکان، کاربریهای تجاری، لابی، پیاده راه و همچنین نحوه طراحی با درنظرگرفتن فضاهای عمومی و نیمه عمومی سبب افزایش تعاملات اجتماعی در شهرها، محله ها و مجتمع های مسکونی می شود.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، معماری جمع گرا، طراحی فضای جمعی، روابط اجتماعی.

Design and architecture of collectivist social interaction and communication

Abstract
The emergence of modern architecture in cities in developing countries due to changing social structures of the societies; if the height of buildings in major cities, building density, population density and other factors has caused our people has increased communication and social interaction is reduced. Increased social interaction promote a sense of vitality, increase social trust, increase cultural participation, reducing the seismic mass. The research design is based on collectivism and its impact on increasing interaction and physical factors affecting social interactions were detected to the understanding of urban design and architecture of collectivism and social recognition feature spaces we find the desired objectives. The study found that despite increased social interaction in public spaces in cities and residential neighborhoods are.
Keywords: social interaction, collectivist architecture, design collective, social relations.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۳۶۳۳۴۲۴۱۸، رایانامه: omidtabrizy@gmail.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مقدمه

یکی از مهمترین نیازهای انسان ارتباط و تعاملات به ویژه در سطح اجتماعی است. بسیاری از روانشناسان و جامعه شناسان همچون آلفرد آدلر، اریک برن، آبراهام مزلو در مورد اهمیت تعاملات و روابط اجتماعی و تاثیر آن بر زندگی فرد و اطرافیانش بحث های گسترده‌ای انجام داده‌اند و هرکدام از جنبه‌ای خاص به این موضوع نگریسته اند. در دنیای مدرن امروز به ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، تعاملات اجتماعی کاهش یافته و این کاهش ارتباطات به ویژه در روابط همسایگی بسیار چشمگیر و مشخص شده است به طوریکه در بسیاری از نقاط کشور شاهد این هستیم که حتی همسایگان در یک واحد مسکونی و یا همسایه های کنارهم نام یکدیگر را نمیدانند، چه برسد به اینکه روابط و تعاملاتی با هم ایجاد کنند. این فقدان ارتباط علاوه بر تاثیرات مخرب فردی مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث میشود.

همزیستی و رفتارهای اجتماعی انسانها باهم از ویژگی های بشر میباشد و یکی از مهمترین جنبه های این رفتارهای اجتماعی، نیاز به برقراری تعامل اجتماعی در سطح روابط همسایگی می‌باشد. خانه های امروزی در محلات جدید مسکونی با امکانات و شرایط زندگی موجود، قابلیت پاسخگویی به این نیاز اجتماعی را به خوبی ندارند؛ به طوری که امروزه شاهد عدم حضور و بازی کودکان در فضاهای باز و به واسطه آن کم رنگ شدن روابط بین همسایگان و حتی عدم شناختشان نسبت به یکدیگر می باشیم. تغییر کالبدی فضاهای باز مجموعه های مسکونی و از بین رفتن بافت های محلی برای ارتقا سطح این تعاملات، همچنین بریدن از ارزش های حاکم بر جوامع سنتی مبتنی بر تعاملات اجتماعی از جمله مهمترین دلایل بوجود آمدن این مساله می باشد که در دراز مدت منجر به نارضایتی میگردد. متغیرهای این تحقیق انواع فضاهای جمعی و تعاملات اجتماعی هستند. منظور از انجام این تحقیق افزایش سطح تعاملات اجتماعی افراد در محیط پیرامونشان و شناخت تاثیر انواع فضاهای جمعی در تعاملات اجتماعی می باشد که راه حل آن ایجاد فضاهای باز نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی است که امکان جوابگویی به این نیازها در محیط پیرامون خانه‌ها بوجود آید و این امکان‌پذیر نیست مگر با مثبت دیدن این فضاها و طراحی آنها بر اساس نیازهای موجود و نیز تجهیز این فضاها برای برقراری ارتباط درست و مناسب با افزایش روابط میان همسایگان است که در پی آن می توان شاهد افزایش حضور مردم و در نتیجه افزایش امنیت اجتماعی و ایجاد حس مسئولیت در ساکنان نسبت به محل زندگی خود بود. در این راستا، هدف از مطالعه حاضر پاسخ به این سوالات می باشد که

۱. ویژگی های کالبدی فضاهای شهری و معماری، چه تاثیری بر تعاملات اجتماعی بین ساکنین دارند؟

۲. آیا این ویژگی ها میتوانند افراد را به تعاملات اجتماعی در شهر دعوت کنند؟

۳. در صورت افزایش تعاملات اجتماعی به چه اهداف اجتماعی می توان دست پیدا کرد؟

پیشینه تحقیق

در نظریه های طراحی محیط نیز اظهار نظرهای زیادی راجع به چگونگی تاثیر طراحی بر تعامل اجتماعی مردم شده است: جملاتی نظیر «فضای آزاد را طراحی کردیم که مدیران و کارکنان ضمن کار یکدیگر را ببینند». همچنین نیاز انسان به پیوندجویی و احساس تعلق به یک مکان از جمله مواردی است که جان‌لنگ برای ضرورت برقراری روابط اجتماعی بر می‌شمرد و انجام تعاملات اجتماعی و مشاهده فعالیت های مردم را موجب شادی انسان از طریق ایجاد زمینه‌های اجتماعی شدن و اجتماع‌پذیری می‌داند.کریستوفر الکساندر (Alexander) نیز ملاقات‌های گاه به گاه و غیر رسمی را زمینه‌ساز توسعه دوستی‌ها و روابط روزمره مردم دانسته و روابط اجتماعی را موجب نزدیکتر شدن نگرش‌های متفاوت افراد مختلف می‌داند. به گفته جنکل(Jehn Kehl) فضاهای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فراخوانند یا برعکس به صورتی باشند که واردشدن به آنها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشند. در فضاهای اجتماع‌پذیر در نحوه طراحی فضا و چیدمان مبلمان آن ارتباط چهره به چهره افراد در نظر گرفته می‌شود. این مسئله در کنار ایجاد فضاهایی که امکان ملاقات با یکدیگر را فراهم می‌کند موجب افزایش قابل توجه تعاملات اجتماعی می‌گردد. مطالعات افرادی چون جن جاکوبس(Jehn Jacobs) و اسکار نیومن(Oscar Neuman) نیز نشان می‌دهد که در محیط‌های محلی که تعامل اجتماعی قابل توجهی میان مردم وجود دارد میزان جرم و جنایت پایین‌تر می‌باشد و امنیت بیشتری حاصل می‌گردد. در مورد فضای داخلی ذکر شده است که «سلسله مراتب فضا به گونه ای باشد که مردم بتوانند رابطه اجتماعی برقرار کنند».

عزیزی و محمد نژاد در بررسی تطبیقی دو گونه متفاوت مجتمعهای مسکونی در شهر تهران دریافتند تراکم پایین و گشودگی فضا در مجتمع های متعارف، عامل مهمی در تامین فضای سبز، آرامش بالا و جریان هوای مناسب است. از طرفی توجه به راهکارهای تامین امنیت توجه به ویژگی های اجتماعی فرهنگی و اقتصادی ساکنین آتی مجتمع های مسکونی در هنگام برنامه ریزی از عوامل کلیدی در ایجاد مطلوبیت محیط مسکونی میباشد (عزیزی و محمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

در مطالعات موردی در مجتمع های مسکونی منطقه نواب در تهران برگرفته از نظرسنجی ساکنین در مورد عوامل موثر بر ادراک رضایتمندی از محیط های مسکونی نشان میدهد که بحث رضایتمندی از واحدهای مسکونی علاوه بر ویژگی ها و خصوصیات خود این واحد ها به امکانات خدمات عمومی و تجهیزات خارج از مجتمع مرتبط میباشد (رفیعیان و عسگری زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۹۹).

از دید صاحبنظران پایداری مجتمع های مسکونی تاحد زیادی وابسته به هویت اجتماعی و هویت فضای مسکونی و هم سنخی ساکنان است. جامعه شناسان هویت اجتماعی را مربوط به طبقه اجتماعی آنها میدانند. طبقه اجتماعی را شغل و ثروت و تمکن مالی یا تحصیلات مشخص نمیکند بلکه طبقه اجتماعی هرکس با محل سکونت او مشخص میشود (سجادی قائم مقامی، پوردیهیمی، و ضرغامی، ۱۳۸۸، ص ۹).

مواد و روش ها

این مطالعه از لحاظ هدف، پژوهشی- کاربردی است؛ زیرا به تدوین معیارهایی برای طراحی جهت افزایش سطح تعاملات اجتماعی می پردازد و از نظر نحوه گردآوری داده ها تحقیقی توصیفی است، چراکه هدف آن توصیف پدیده ها و مفاهیم مرتبط با تحقیق می باشد و از لحاظ نحوه اجرا، تحلیلی و میدانی می باشد. روش میدانی که با توجه به اهداف و سوالات اساسی تحقیق با استفاده از ابزار پرسشنامه، اقدام به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز گردید.

ادبیات و مبانی نظری

یکی از بحث های مهم امروزی در میان متفکران مسائل شهری موضوع فضاهای عمومی در شهر است. این مفهوم در طراحی و برنامه ریزی شهری تحت عناوینی همچون «عرصه عمومی[1]»، «فضای شهری[2]» ، «مکان عمومی[3]» مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. ساده ترین بیان عرصه عمومی دربرگیرنده گروههای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره است که از متن مردم و فعالیت های آنها ریشه گرفته است؛ به نوعی عرصه عمومی یک عرصه همگانی است که عموم مردم یک شهر حق حضور در آن را دارند. بر اساس «فرهنگ انگلیسی آکسفورد»، واژه Public به معنای کلی و در اکثر معانی متضاد خصوصی است. همچنین تعریف مربوط یا متعلق به مردم به عنوان یک کلیت، نیز برای آن ذکر شده است. در جدیدترین ویرایش فرهنگ آکسفورد تعریفی مشابه مطرح شده است:

«*متعلق یا متوجه مردم به مثابه یک کلیت در دسترس یا اشتراکی برای همه مردم و ارائه شده*

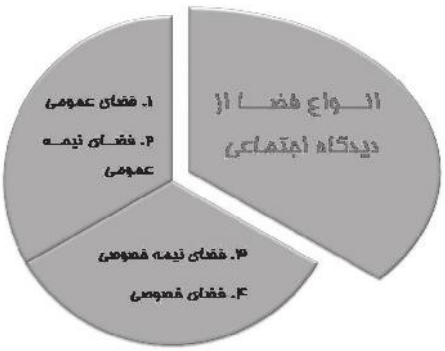
1- Public Realm
2- Urban Space
1- Public Place

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

توسط دولت محلی یا مرکزی. به اتکای این تعریف برای مثال خیابانی عمومی، متعلق و مرتبط با تمام مردم به عنوان یک کلیت است، به روی شان باز است، موجودیتی محدود نشده دارد، از طرف دولت ارائه می شود و به آن مرتبط است. این مفاهیم در تعاریف مختلف فضای عمومی بازتاب یافته اند» (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳).

تقریباً تمام تعاریف طراحی شهری حاکی از این است که طراحی شهری با عرصه عمومی (یا قلمرو عمومی و یا فضای عمومی) و عناصر تشکیل دهندهٔ آن سر و کار دارد. طراحی شهری از پروژه هایی با چند ساختمان تشکیل می شود که از نظر اندازه متفاوت بوده و از مجموعه های ساختمانی شروع شده و بخش هایی از شهر و در نهایت کل شهر ختم می شود. گاهی طراحی شهری، طراحی خود ساختمان ها را نیز دربرمی گیرد، اما اغلب تنها تا آن حد وارد معماری بناها می شود که کاربرها و نمای ساختمان های به ویژه در طبقه همکف، عرصه عمومی را تعریف می کنند (Lang،2005:6-22)

سازمانها و ساختارهای عمومی از اجزای عمومی و خصوصی تشکیل می شوند. تمایز بین این ها همیشه روشن نیست، زیرا رفتارها و مکانهای «نیمه عمومی[1] و نیمه خصوصی[2]» هم وجود دارند. به علاوه اینکه چه چیزی را خصوصی یا عمومی تلقی کنیم از فرهنگی به فرهنگ دیگر و در درون هر فرهنگ طی زمان تفاوت دارد.



تصویر بالا. انواع فضا از دیدگاه کاربستهای اجتماعی؛ ماخذ: نگارنده.

«مدنی پور» در فصل هشتم از کتاب «فضاهای عمومی و خصوصی شهر» با یک نگاه ریشه‌ای، بنیادی ترین تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی را تفاوت میان فضای درونی انسانی و فضای بیرونی جهان پیرامون می داند. وی در یک تحلیل، خصوصی ترین فضا را فضای درون بدن بر شمرده سپس اولین لایه که رفتار شخص، حرکات بدن و زبان در آن تبلور می شود را فضای شخصی می داند. وی به دنبال این مطلب خصوصی بودن فضا را عمدتاً به ملک خصوصی ارجاع داده و در یک تعریف کلی حوزه خصوصی را بخشی از زندگی شخص می داند که وی در محدوده ای شخصی و به دور از دید و اطلاع مردم یا کنترل حکومت و مقامات رسمی، آن را کنترل می کند. تعبیر عده ای از داشتن حریم شخصی این است که فرد حق دارد تنها و به حال خود باشد. بر اساس این تعبیر، فضای خصوصی بخشی از فضاست که فرد بر آن مالکیت و اختیار دارد و حق داشته از آن بهره انحصاری ببرد و دیگران را در آن راه ندهد (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۷-۲۶)

«حوزه خصوصی»، همزمان، هم جایی در خلوت ذهن دارد، هم دامنه آن تا فضای شخصی بدن گسترده می شود. هم در قالب ملک خصوصی با مفهوم زمین در می آمیزد و هم در خانه با واحدی اجتماعی پیوند برقرار می کند. لایه های مختلف فضای خصوصی تشکیل شده است از: «فضای غیرعینی ذهن، فضای شخصی اجتماعی - روانی بدن، فضای نهادینه شده ملک خصوصی و فضای صمیمی خانه» (همو، همان، ص ۲۹). حوزه خصوصی حوزه ای مجرد مستقل و کاملاً جدا از محیط اطراف نیست، بلکه وابستگی متقابل با حوزه عمومی دارد. نمود این وابستگی متقابل، مرز میان این دو حوزه است که انتظار می رود روشن و واضح باشد، اما اغلب مبهم و محل مناقشه است. فضاهای عمومی شهرها تقریباً در همه زمان ها و مکان ها بیش از آنکه با فضاهای شخصی و صمیمی ارتباط داشته باشند، مکان هایی هستند خارج از حوزه کنترل افراد با گروه های کوچک. این فضاها واسطه و

1-Semi – public
2-Semi – Private
3-Public and Private Opaces

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

میانجی فضاهای خصوصی بوده و کاربردهای عملی دارند. از این رو در توصیف فضاهای عمومی می توان گفت که این فضاها، فضاهایی هستند چند منظوره و در دسترس عموم که هم از قلمروهای اختصاصی و مرزبندی شده خانواده ها و افراد متمایزند و هم میانجی آنها محسوب می شوند. اصولاً این فضاها را در صورتی عمومی تلقی می کنند که تأمین و مدیریت آنها برعهده مسئولان دولتی باشد، با مردم به صورت یک کل واحد ارتباط برقرار کنند، مردم آزادانه و به راحتی به آنها دسترسی داشته باشند و یکایک اعضای جامعه بتوانند از آنها بهره ببرند یا مشترکاً از آنها استفاده کنند. بنابراین وقتی از قلمرو عمومی صحبت می شود منظور فضاهایی است که برای استفاده مشترک عامه مردم است و توسط مسئولان عمومی اداره می شود یا چنان که مدنی پور می گوید:

«فضای عمومی را می توان به مشابه فضایی تعریف کرد که اجازه می دهد مردم به آن و فعالیت های درون آن دسترسی داشته باشند و فضایی است که یک کارگزار عمومی آن را کنترل می کند، فضایی که در جهت منافع عمومی تأمین و اداره می شود» (Madani Pour،1996:148).

از دید «والزر[1]» فضای عمومی فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. فضایی است برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش، فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیر شخصی. (Walzer،1996:470). «تیبالدز[2]»، هم در تعریف خود از عرصه عمومی به این مفهوم اشاره می کند. از دیدگاه وی عرصه های عمومی مهمترین بخش شهرها و محیط های شهری هستند. در چنین عرصه هایی بیشترین تماس ارتباط و تعامل بین انسان ها رخ می دهد. این عرصه ها تمام بخش های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی گیرد. بنابراین این مکان ها از خیابانها، پارکها و چهارراه ها تا ساختمان های محصور کننده آنها را شامل می شود (تیبالدز، ۱۳۸۲، ص ۱۵).

وی همچنین اشاره می کند در حالی که عرصه عمومی در حال تنزل است، عرصه خصوصی با تأکید بر حریم خصوصی، خلوت گزینی آسایش فردی، مصرف شخصی و امنیت فردی رو به افزایش است. از دید تیبالدز اگر بخش خصوصی را به حل خود رها کنیم، هرگز نمی تواند محیطی شهروندگرا بیافریند. فضای عمومی به عنوان بستر مشترکی است برای انجام فعالیت های کارکردی و مراسمی که پیوند دهنده اعضای جامعه است. چه روزمرگی های معمولی باشد و چه جشنواره های دوره ای. صفحه ای است که در آن نمایش زندگی جمعی در معرض دید قرار می گیرد (Carr،1992:110).

مروری بر نوشته های مربوط به حقوق نشان می دهد که در واژگان حقوقی، اگر فضایی، فضای عمومی به حساب آید، مالکیت و حق دسترسی را نمی توان مانعی بر سر راه کاربردی عمومی آن دانست، علی رغم محدودیت های ذاتی که برای دسترسی عمومی وجود دارد. حتی مکانی عمدتاً خصوصی در اکثر اوقات می تواند در دسترس عموم باشد و اگر هم منع شده باشد، می توان آن را از مجرای قانونی طلب کرد. مکان های عمومی نمی توانند قانوناً تعامل با دیگر استفاده کنندگان را ممنوع کنند، بلکه فقط می توانند ماهیت آن را تعیین کنند (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۲۱۵).

فضای عمومی مکان هم زمانی فعالیت هاست، مکانی برای عرضه و نمایش، محک زدن واقعیت، کنکاش در تفاوتها و هویت ها، عرصه ای برای بازشناخت، مکانی که فرد با باز نمایی تفاوتها از خود و دیگران شناخت بدست می آورد و امکان بررسی رابطه امر خاص و کلی و امر شخصی و غیرشخصی را پیدا می کند. در این مکان حقایق چندوجهی همزیستی پیدا می کنند و میزان تحمل عقاید و دیدگاه های گوناگون به بوته آزمایش گذاشته می شود (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱). البته به نظر می رسد که شهرهای مدرن مانع این جریانند، چون مردم سوار بر اتومبیل های شخصی خود از میان فضاهای عمومی می گذرند، با تقسیم شهر به مناطق و محله های مختلف خود را از دیگران

1-Walzer
2-Tibbalds

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدا می کنند و تنها به واسطه نهادهای پیچیده انتزاعی و مبتنی بر مقررات خشک اداری با دیگران ارتباط ایجاد می کنند؛ بنابراین فضای عمومی باید شرایطی را برای انسان فراهم کند که علاوه بر رابطه های با واسطه، بی واسطه هم با یکدیگر ایجاد ارتباط کنند.

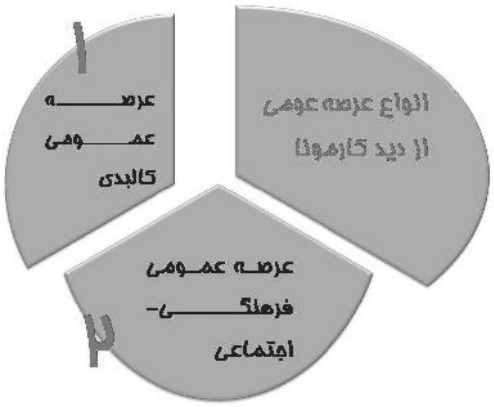
«لنگ[1]» اشاره می کند که از دید متخصصان حرفه ای در هریک از زمینه های طراحی محیط، عرصه عمومی از دو جزء تشکیل می شود:

۱- جزء اول با عناصر عمومی محیط کالبدی (مصنوعی و طبیعی) که رفتارها در آن روی می دهند ارتباط دارد؛ و

۲- جزء دوم چگونگی تصمیم گیری های جمعی توسط دولت یا در چارچوب سازوکار بازار براساس قانون اساسی هر کشور را در برمی گیرد.

وی سپس با تأکید بر عرصه عمومی کالبدی اشاره می کند که عرصه عمومی الزاماً با املاکی که در مالکیت عمومی است یکی نخواهد بود. وی جزء اول را عرصه عمومی کالبدی و جزء دوم را عرصه عمومی تصمیم گیری نام می نهد (Lang، 2005:6-22). در این تعریف از عناصر تشکیل دهنده عرصه عمومی نقش دو عنصر اساسی کالبد به عنوان عنصر عینی فضا و فعالیت به عنوان عنصری که ارتباطی فراتر از محدوده کالبدی داشته و به عناصر بالا دست مؤثر در فضا متصل می شوند را به وضوح می توان مشاهده کرد. در جامعه ای که حق مالکیت عمومی مقدس شمرده می شود و هر فرد حق دارد و آزاد است که آنچه را می خواهد بسازد، عرصه عمومی و فضاهای باز عمومی یعنی فضاهایی که عموم مردم حق ورود به آن را دارند به یک معنی استناد دارند. وی همچنین باتوجه به این تعریف که عرصه عمومی از آن دسته مکان هایی تشکیل می شود که همه به آن دسترسی داشته باشند، هرچند در زمان هایی محدود، چنین بیان می دارد که این تعاریف هم فضاهای درونی و هم بیرونی را شامل می شود. فضاهای بیرونی مانند خیابان ها، میادین، پارک ها و فضاهای درونی مانند رواق ها، سالن های ایستگاه های قطار، ساختمان های عمومی و فضاهای دیگری که عامه مردم به آن دسترسی دارند، نظیر فضاهای داخلی مجتمع های تجاری.

«کرمونا» نیز عرصه عمومی را در دو بعد «عرصه کالبدی[2]» و «عرصه عمومی فرهنگی- اجتماعی[3]» مورد بررسی قرار می دهد. (Carmona، 2003:11)



تصویر ۶. انواع عرصه عمومی از دیدگاه کارمونا؛ ماخذ: نگارنده بر اساس کارمونا، ۲۰۰۳.

«کوستوف[4] علی رغم اینکه در تعاریف خود از قلمرو عمومی بیشتر «فضاهای باز» را مدنظر دارد، اما به دلیل تعریفی که از فعالیت های انجام شده در این فضاها می کند به نظری مشابه لنگ می رسد:

«شاید به صورت بنیادی، آیین های خاص خود ما در زمینه تعامل اجتماعی به آهستگی در درون یک رشته فضاهای خصوصی شده عمومی که منحصر به زمان ماست، رفته اند که شامل آنزیوم، پارک های موضوعی و مراکز خرید می گردد» (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ به نقل از Kostof،1992:82).

دفتر معاونت نخست وزیر انگلیس (OPDM[5]) فضای عمومی را بخش هایی از محیط طبیعی و ساخته شده مرتبط می داند که عموم به آن دسترسی آزاد دارند. فضای عمومی همه خیابان ها و میادین به طور ویژه جایی که کاربری مسکونی و تجاری وجود دارد، پارک ها و فضاهای باز جایی که دسترسی عمومی

1- Jon Lang
2- Physical Public Realm
3- Socio-Cultural Public Realm
4- Kostof
5- Office of Deputy Prime Minister

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

محدود نیست (حداقل در ساعات روشنی از روز) را شامل می شود (OPDM،2004:10).

به نظر می رسد تعاریف عموما بر دسترسی بدون محدودیت به فضا و فعالیت های متنوع تأکید می کند که تعامل اجتماعی بارزترین وجه نتیجه این دسترسی محدود نشده است که در فضای عمومی رخ می دهد. لنگ اشاره می کند که در مورد محدوده فضای عمومی و خصوصی ابهام وجود دارد. به این دلیل که هر دو سطوح مشترک کالبدی می یابند. در واقع محدوده فضای عمومی گاه به درون محوطه هایی که دارای مالکیت خصوصی هستند، نفوذ می کند و این محوطه های را (به دلیل استفاده عمومی از آنها) به عنوان فضای عمومی مطرح می کند؛ یعنی محدوده اجتماعی فضای عمومی با محدوده حقوقی و کالبدی آن، روی هم قرار نمی گیرند. درنتیجه مرز کالبدی فضا با قلمرو اجتماعی آن یکسان نیست. وی در این ابهام فضاهای عمومی اعتقاد دارد که اگرچه مردم از نظر دسترسی به آنها از آزادی نسبی برخوردارند، اما این مکان ها در مالکیت خصوصی قرار دارند. از آن جایی که قلمرو عمومی و مشترک شهرها به طور فزاینده ای در حال خصوصی شدن است (یا شاید بهتر است بگوییم قلمرو خصوصی، فضاهای عمومی را در اختیار می گذارد)؛ بنابراین ابهام گفته شده شاید در آینده نیز ادامه خواهد یافت.

در توضیح این نکته لنگ می گوید: اگرچه، درمورد آنچه که قلمرو عمومی را تشکیل می دهد، مقداری ابهام وجود دارد، ولی چنان که تحلیل مختصری از عناصر محاط کننده آن نشان می دهد، قلمرو عمومی را کف و سطوح ساختمان های احاطه کنندهٔ آن دربرگرفته است. برخی از این سطوح دیوارهای خارجی هستند که فضای عمومی و خصوصی را از هم جدا می کنند، اما سطوح دیگر، دیوارها و سقف هایی هستند که فضاهای داخلی را در خود جای می دهند. ابهام به دو دلیل ایجاد می شود:

۱- عناصر تعریف کننده قلمرو عمومی (به ویژه دیوارهای ساختمانها) غالباً در مالکیت خصوصی هستند که مسائلی را در رابطه با مالکیت عمومی در برابر خصوصی مطرح می کند و

۲- بسیاری از فضاها، هم در داخل و هم در خارج ساختمان ها نیمه عمومی هستند (Lang 1994:187-189).

با این توضیح وی نتیجه می گیرد که حیطه فضای عمومی از حد فضای باز شهری فراتر می ورود و جایی است که در آن فعالیت عمومی صورت می گیرد (اهری، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷). این متفکر طراحی شهری همچنین می نویسد: اگر تاریخ گذشته بتواند در این زمینه و راهنما باشد، وضعیت خصوصی و عمومی در آینده از یک الگوی حلقوی پیروی خواهد کرد. دامنه آنچه عمومی شمرده می شود، کم و زیاد خواهد شد. درک این نیاز که آنچه طراحی شده را تا چه حد با خواست عموم کنترل کنیم یا نکنیم، تابع تغییرات و تحولات سیاسی خواهد بود.

«چرمایف[1]» و «الکساندر[2]» به طور کلی سلسله مراتب فضاهای شهری یا عرصه های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را در شش دسته زیر طبقه بندی می کنند:

- «فضاهای عمومی شهری»: جاها و تسهیلاتی که متعلق به عموم مردم است، مانند شاهراه ها، جاده ها، راه ها و پارک های شهری؛
- «فضاهای نیمه عمومی شهری»: فضاهایی خاص از شهر که مورد استفاده عموم قرار می گیرند ولی دولت یا مؤسسه ای بر آنها نظارت می کند و سرپرستی آنها را به عهده دارد. مانند بنای شهرداری ها، دادگاه ها، مدارس دولتی، دفاتر پست ، بیمارستان ها، ایستگاه های مسافربری، پارکینگ ها، گاراژها، استادیوم ها و تئاترها.
- «فضاهای عمومی خاص یک گروه»: جاهایی که در مرز عرصه خدمات و تسهیلات عمومی و خصوصی قرار گرفته اند و هر دو عرصه باید به آن دسترسی داشته باشند و در قبال آن مسئول هستند. مانند جاهایی که از خدمات پستی، آب و برق، آتش نشانی

1- Chermayeff
2 - Alexander

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

از آن استفاده می کنند.

• «فضاهای خصوصی خاص یک گروه»: انواع جاهایی کم اهمیت تر که تحت نظارت دستگاه اداره کننده ای باشند از جانب بخش دولتی یا بخش خصوصی برای مستأجرین حقیقی و یا حقوقی. مانند باغ های عمومی، زمین های بازی، انبار و غیره.

• «فضاهای خصوصی خانواده»: فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار یک خانواده واحد باشد مانند صرف غذا، تفریح و غیره.

• «فضاهای خصوصی فرد»: اتاق اختصاصی هر شخص یا هریک از اعضای خانواده (چرمایف و الکساندر، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷).

تعاملات اجتماعی و مراودات شهروندی

اجتماع دربرگیرنده افراد با سطح فکری و فرهنگی است. هیچ اجتماعی یافت نمی شود که افراد آن صد در صد هم دل، هم عقیده و هم فکر باشند. خواه این جامعه بسیار بزرگ باشد خواه یک خانواده دو نفری تشکیل شود. اینجاست که تعامل اجتماعی پیش می آید یعنی احترام متقابل به خواستها، ایده ها، نگرش ها و عقاید افراد آن جامعه بوجود آید؛ یعنی علیرغم آنکه افراد جامعه با او هم عقیده نیستند ولی به آنها احترام می گذارد. روابط اجتماعی ارتباط بین دو نفر و بیشتر یا بین چند گروه را بیان می کند. این روابط می تواند صورت همکاری، تفاهم و دوستی داشته باشد و می تواند به صورت تضاد و تنش و کشمکش و گاه بی تفاوتی و همزیستی باشد. به بیان دیگر، روابط اجتماعی ارتباط و وابستگی متقابل انسان ها و جهت گیری رفتاری آنهاست که می تواند در جهت دوستی یا دشمنی باشد. عمده متون مربوط به فضای عمومی شهری و محتوای آن در بررسی های خود از ابعاد کالبدی و فعالیتی فضای شهری به سه منبع «زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک[1]» اثر ویلیام وایت[2] در ۱۹۸۰، «زندگی در بین ساختمان ها[3]» اثر جان گهل[4] در ۱۹۸۷ و «مکان های مردمی: راهنمای طراحی فضای باز شهری[5]» اثر کلیر کوپر مارکوس[6] و کارولین فرانسیس[7] در ۱۹۸۸ ارجاع می دهند. مارکوس به بررسی انواع میادین شهری پرداخته، وایت پی از بررسی اجزا و عناصری همچون فضاهای نشستن و به دنبال آن عناصر محیطی همچون بار، خورشید و غیره، بحث مثلث بندی[8] در فضای شهری را مطرح کرده و گهل سه گونه فعالیت عمومی شهری را مورد بررسی قرار می دهد.[9] یک فضای شهری می تواند متناسب با نیازهای زمانی و مکانی افراد جامعه، خصلت مطلوب یا نامطلوب پیدا کند. بسته به میزان همخوانی و همنوایی کارکردی با اهداف مورد انتظار، مقیاس و حجم روابط، تطابق و تناسب با نیازهای روزمره گروه های اجتماعی و همخوانی با کلیت ساختار شهر، فضای شهری می تواند از وجوه برجسته تری از نظام مطلوب بهره گیرد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. «گهل» در کتاب خود این فعالیتها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد:

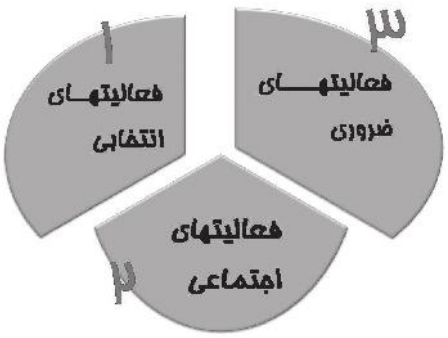
۱. دسته اول «فعالیت های ضروری[10]» و با اهمیت که تحت هر شرایطی اتفاق می افتند و ارتباط خاصی با ویژگی های منحصر به فرد اجتماعی ندارند. فعالیت هایی نظیر رفتن به محل کار یا مدرسه، انجام خرید، انتظار در ایستگاه اتوبوس و سایر فعالیت های عمومی و روزمره در این دسته جای می گیرند. این طیف از فعالیت ها درجات متفاوت از مشارکت اجتماعی را می طلبد؛

۲. دسته دوم از فعالیت هایی که در فضای شهری انجام می شوند را، «فعالیت های گزینشی وانتخابی[11]» تشکیل می دهند که در شرایط مناسب و وضعیت

1- The Social Life of Small Urban Spaces
2- William H.Whyte
3- Life Between Buildengs
4- Jon Gehl
5- People Places: Design Guidelines for Urban Open Spaces
6- Clare Cooper Marcus
7-Carolyn Francis
8-Triangulation
۹- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:
Larice، Michel (2007) the Urban Design Reader, Routledge, New York, PP348-375
10-Necessary Activities
11-Optional Activities

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

دلخواه افراد ضرورت پیدا می کنند. قدم زدن در هوای آزاد، توقف و مکث در مکان های تفریحی، نشستن و استراحت در مکان های جذاب و دیدنی جزء فعالیت های انتخابی و موردی به شمار می آیند؛ ۳. دسته سوم از فعالیت هایی که در فضای شهری رخ می دهند، «فعالیت های اجتماعی[1]» هستند که بسته به ویژگی های فضای شهری طیف گسترده ای از روابط متقابل افراد را در برمی گیرد. این فعالیت ها به دلیل تأثیرپذیری از سایر فعالیت ها و فضای اجتماعی، فعالیت های نهایی نیز خوانده می شوند. شرایط خاص فضاها جهت ایستادن، نشستن، خوردن بازی کردن و غیره، این فعالیت ها را تحت تأثیر خود قرار می دهند. در فضاهای شهری که فاقد جنبه های لازم جهت تقویت روابط اجتماعی هستند، تنها مقدار کمی از این فعالیت ها امکان بروز پیدا می کند که بسته به شرایط افراد نیز متفاوت خواهد بود. در مقابل در فضاهایی که از این ابعاد غنی هستند، سطح و قدر بالایی از فعالیت های اجتماعی شکل می گیرد.[2]



تصویر بالا. انواع فعالیتها در فضاهای شهری؛ ماخذ: نگارنده بر اساس گهل، ۱۹۸۷.

بسیاری از نظریه پردازان شهرسازی معتقدند که فضاهای عمومی شهری بعنوان یکی از اجزای اصلی، نقش با اهمیتی در شهر سالم دارند. این عقیده فراتر از نقش کارکردی فضاهای عمومی است که معطوف به زمانی است که این فضاها، سرمایه اجتماعی را در زمانی که تعاملات اجتماعی زیادی را در این مکان ها به وقوع می پیوندد، افزایش می دهند. در مفاهیم نظری مرتبط، دامنه وسیعی از کارکردهای فضاهای عمومی نظیر نقش توسعه یکپارچگی اجتماعی در قالب فرصت سازی برای رویارویی افراد جامعه، تقویت کارکردهای سیاسی جامعه به واسطه ایجاد و تقویت انجمن های آزاد در یک دموکراسی اجتماعی، عرصه ای جهت بروز نمایشات و جشن های فرهنگی، واسطه ای که هویت های خصوصی و گروهی در آن توسعه می یابند و عرصه ای جهت دسترسی عمومی و تمایزی از فضاهای خصوصی، مورد مباحثه و جدل قرا گرفته است. اهمیت فضاهای عمومی در مطالعات سیاست های شهروندی نیز تأکید شده است، تا جایی که آن را در جهت کلی شدن سیاست های شهری لازم و ضروری می دانند. لفور معتقد است که هر جامعه ای در تاریخ خود فضای اجتماعی مشخصی را ایجاد کرده که در این فضاها به کلیه نیازهای متنوع جامعه- از تولیدات اقتصادی تا محصولات اجتماعی- پاسخ داده می شده است (Arefi،2003: 331-332).

فضای عمومی یک دنیای نهادی و مادی مشترک و فضای حائلی است که امکان حضور مشترک را فراهم کرده، روابط متقابل میان افراد را تنظیم می کند. ما با حضور در مکانی که دیگران نیز در آن حضور دارند به تجربه مشترکی از جهان می رسیم و به این ترتیب با همه انسان هایی که در گذشته (یا آینده) چنینن واقعیت فیزیکی را تجربه کرده اند (یا خواهند کرد) پیوند برقرار می کنیم. این بخش پیوند دهنده که دوره های مختلف تاریخی را به هم متصل می کند، فضای عمومی را از ثبات و تداوم برخوردار می سازد. ما با حضور مشترک در نهادهایی خاص همچون آیین ها و مناسک، نمایش ها و اجراها، گفت و گوهای دسته جمعی هم می توانیم به تجربه مشترک دست یابیم (مدنی پور، ۱۳۸۴، ص ۳۱). برای تبیین عناصر، عوامل و نیروهای شکل دهنده فضای شهری:

1- Resultan Activities(Social Activities)

۲- برای اطلاعات بیشتر ر.ک. به:

-Gehl, Jon (1987) Life Between Buildings

-Larice, Michel and Macdonald، Elizabet (2007) The Urban Design Reader. Routeldge. New York. PP348-375

- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری: بازنگری و ارزیابی کیفی. نشریه هنرهای زیبا. شماره ۲۳. صص۴۳

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

• اولاً باید به رشته هایی توجه داشت که با اثر زندگی اجتماعی بر سازمان فضایی سر و کار دارد،
• ثانیاً فضای شهری باید بستر زندگی عمومی و اجتماعی مردم جامعه تلقی شود و
• ثالثاً محتوای اجتماعی این فضا که آن را بیش از پیش به عنوان پدیده ای اجتماعی- کالبدی می نمایاند، مورد بررسی عمیق قرار داد.

اهمیت اجتماع پذیری فضاها

اهمیت اجتماع پذیری فضا به حدی است که بسیاری از نظریه پردازان بر تاثیر این کیفیت بر دلبستگی به مکان زندگی تاکید ورزیده اند. برطبق این نظرات دلبستگی به مکان نه تنها توسط وجوه فیزیکی در یک مکان تقویت می شود بلکه کیفیت تعاملات اجتماعی در مکان نیز بر دلبستگی به مکان مؤثر می باشند (poll,2012). تعامل اجتماعی با یکدیگر و مشاهده فعالیت های مردم، با بوجود آوردن زمینه های اجتماعی شدن و اجتماع پذیری به رشد فردی انسان کمک می کند. امروزه این وابستگی ها به طور چشمگیری در کلان شهرها به علل مختلفی همچون ورود تکنولوژی های نوین ارتباطی و اطلاعاتی و اینترنت و ابزارهای رسانه‌ای مانند شبکه های ماهواره‌ای، ورود تکنولوژی اتومبیل و سایر وسایل حمل و نقل خصوصی، فاصله زیاد محل سکونت و محل کار، ناپایداری و گذرا بودن ارتباطات مردم با یکدیگر، مهاجرت و ناپایداری اقامت در یک محله از بین رفته است.

بیان یافته های تحقیق

عوامل مختلفی در این تحقیق برای بررسی میزان تاثیر فضاهای جمعی بر شکلگیری تعاملات اجتماعی مورد نظرسنجی قرار گرفته است عواملی همچون وجود کاربری های مذهبی، تجاری، فرهنگی، وجود فضای ورزشی برای بزرگسالان و میان سالان، وجود فضای بازی برای بچه ها و کودکان، وجود پیاده راه ها، وجود فضای سبز، وجود فضای اتراق و نشستن و نمایشگاه سرباز و غیره. با بررسی نظرات ساکنین و اهالی در مورد میزان اثربخشی فضاها بر افزایش تعاملات اجتماعی به این نتیجه رسیدیم که بیشترین عامل وجود کاربری های تجاری و نیز فضاهای سبز میباشد. این یافته ها بر اساس آزمون chi-square بدست آمد، همچنین وجود فضای ورزش بزرگسالان تاثیر کمتری داشته اما موثر بوده اند. برطبق جدول زیر هرجا که بر اساس آزمون t میزان asymp.sig برابر با صفر شود آزمون معنادار است و هرجا این مقدار بیشتر بوده باشد، دلیل بر بی معنا بودن نتایج می باشد. برای پایایی یا قابلیت اعتماد ابزار اندازه گیری از شیوه آلفای کرونباخ استفاده شد که این روش برای محاسبه هماهنگی درونی پرسشنامه یا آزمونهایی که خصیصه های مختلف را اندازه گیری می کنند، به کار میرود. معمولاً دامنه ضریب قابلیت آلفای کرونباخ از صفر به معنای عدم ارتباط تا مثبت یک به معنای ارتباط کامل قرار می گیرد و هرچه مقدار به دست آمده به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد، قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می شود. در این تحقیق مقدار آلفای مذکور توسط نرم افزار ۹۲ درصد میباشد و یک مقدار از لحاظ آماری مطلوب تلقی می گردد.

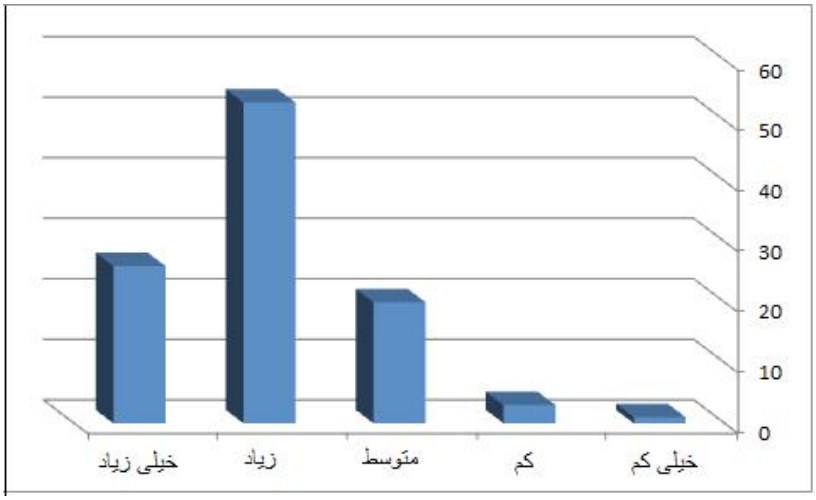
جدول ۱. ضریب آلفا کرونباخ؛ ماخذ: نگارندگان.

ضریب آلفای کرونباخ	

از ساکنین پرسیده شده که تا چه میزان نوع طراحی معماران میتواند بر تعاملات اجتماعی ساکنین تاثیر بگذارد که پاسخ ها بدین گونه بود که نزدیک ۲۶ درصد پرسش شوندگان معتقد بودند، طراحی میتواند تاثیر خیلی زیادی بر تعاملات اجتماعی داشته باشد و همچنین نزدیک ۵۳ درصد پرسش شوندگان معتقد بودند نوع طراحی میتواند تاثیر زیاد داشته و ۲۰ درصد میزان تاثیر متوسط را انتخاب نمودند.

همچنین بر اساس آزمون chi-square ضرایب df و asymp.sig و مقدار chi-square اینچنین بدست آمد:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱. میزان تاثیر نوع طراحی جمع گرا بر افزایش تعاملات اجتماعی؛ ماخذ: نگارندگان

جدول ۲. نتایج پرسشنامه های تحقیق، ماخذ: نگارندگان.

Asymp.sig	۰
[redacted]	۰
Chi-square	۲۸۷/۲۱

بنابراین این عامل موثر بوده و معناداری آن نیز با استفاده از بدست آمدن asymp.sig برابر صفر کاملاً واضح است. یکی از فضاهایی که مردم باهم درآنجا به برقراری ارتباط و تعامل می پردازند، فضاهای سبز می باشد. جدا از فضاهای سبز مجتمع های مسکونی مردم عموماً در پارکها و فضاهای سبز باهم به صحبت می پردازند، افراد سن بالا در این گونه فضاها که دارای آرامش بیشتری میباشد به دورهم جمع میشوند و با یکدیگر آشنا شده و به ارتباط و تعامل باهم میپردازند. جوانان و نوجوانان نیز فضاهای سبز را معمولا محلی برای گفتگو انتخاب کرده و کودکان نیز به این فضاها علاقه مند هستند و در این فضاها به ارتباط با هم میپردازند. در بین پرسش شوندگان ساکنین شهرک اکباتان و شهرک آپادانا میزان اثر فضای سبز بر روی تعاملات اجتماعی اینچنین ارزیابی شد که آنها نزدیک به ۶۰ درصد تاثیر زیادی برای فضاهای سبز قائل شدند و ۲۰ درصد تاثیر بسیار زیاد را انتخاب کردند؛ بنابراین این نوع فضاها تاثیر موثری بر تعاملات اجتماعی دارند. همچنین می بایست گفت که افرادی که میزان اثر کم و خیلی کم را انتخاب کرده اند درصدی کمتر از ۳ درصد را داشته اند.

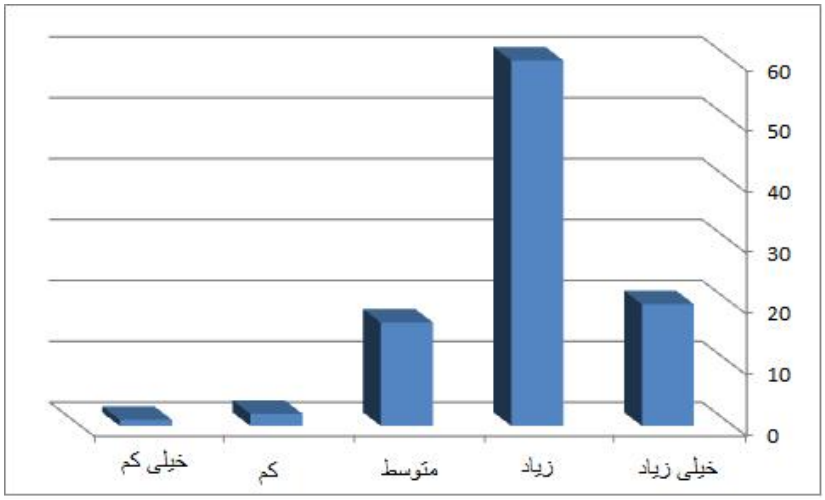
همچنین بر اساس آزمون chi-square ضرایب df و asymp.sig و مقدارchi-square اینچنین بدست آمد:

جدول ۳. نتایج خروجی سوال؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

Asymp.sig	۰
[redacted]	۳
Chi-square	۳۹۰/۵۶

بنابراین این عامل موثر بوده و معناداری آن نیز با استفاده از بدست آمدن asymp.sig برابر صفر کاملاً واضح است. همچنین بر طبق مطالعات گذشته باید اذعان نمود که فضاهای سبز روحیه و حس سرزندگی را به محیط بخشیده و با همه سطوح سنی میتواند ارتباط برقرار کند؛ چراکه فضای سبز ظرفی است که در آن تعاملات اجتماعی بسیار مناسبی رخ میدهد.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۲. میزان تاثیر فضای سبز بر افزایش تعاملات اجتماعی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

نتیجه گیری و جمعبندی

فضاهای عمومی می‌توانند به گونه‌ای طراحی شوند که مردم و فعالیت‌ها را از محیط خصوصی به محیط عمومی فرا خوانند یا بر عکس به صورتی باشند که وارد شدن به آنها از نظر فیزیکی و روانی دشوار باشند. در فضاهای اجتماع‌پذیر در نحوه طراحی فضا و چیدمان مبلمان آن ارتباط چهره به چهره افراد در نظر گرفته می‌شود. این مسئله در کنار ایجاد فضاهایی که امکان ملاقات با یکدیگر را فراهم می کند موجب افزایش قابل توجه تعاملات اجتماعی می‌گردد. در دنیای مدرن امروز به ویژه در شهرهای پرجمعیت به دلایل مختلف، تعاملات اجتماعی کاهش یافته و این کاهش ارتباطات به ویژه در روابط همسایگی بسیار چشمگیر و مشخص شده است؛ به طوریکه در بسیاری از نقاط کشور شاهد این هستیم که حتی همسایگان در یک واحد مسکونی و یا همسایه های کنارهم نام یکدیگر را نمیدانند؛ چه برسد به اینکه روابط و تعاملاتی با هم ایجاد کنند. این فقدان ارتباط علاوه بر تاثیرات مخرب فردی مشکلات اجتماعی نظیر کاهش حس سرزندگی، افزایش جرم خیزی، کاهش اعتماد اجتماعی، کاهش سرمایه اجتماعی و غیره را باعث میشود.

محل زندگی انسان میبایست شرایطی داشته باشد که در آن بتوان هم نیازهای فیزیکی و هم نیازهای روانی را تامین کند و به اهداف اجتماعی یک مسکن مناسب نیز دست پیدا کند. همزیستی و رفتارهای اجتماعی انسانها با هم از ویژگی های بشر میباشد و یکی از مهمترین جنبه های این رفتارهای اجتماعی، نیاز به برقراری تعامل اجتماعی در سطح روابط همسایگی می‌باشد. همچنین ویژگی های یک مسکن مناسب آن است که علاوه بر سرپناه راحتی بودن بتواند به روابط همسایگی، هویت ساکنین، حس دلبستگی به مکان، ایجاد تعاملات و روابط مناسب بین ساکنین و غیره نیز بپردازد تا با استفاده از این ویژگی ها بتوان سرزندگی فضاها را افزایش داده و سبب کاهش جرم‌خیزی شده و شناخت متقابل میان ساکنین را افزایش داده، عوامل خاطره انگیز را حفظ کرده و سرمایه اجتماعی را برای منطقه تامین کند و زندگی دلخواه برای مردم و ساکنین آنجا بدست آید.

همچنین میبایست به پیامدهای منفی تعاملات اجتماعی همچون شلوغی و مزاحمت‌ها نیز فکر کرد و با برنامه‌ریزی صحیح به اهداف طرح رسید؛ بنابراین در این پژوهش بااستفاده از روشهای کمی و کیفی و با استفاده از پرسشنامه و منابع کتبی و غیر کتبی و استفاده از نرم افزار spss به بررسی میزان

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۷ زمستان ۹۳
No.37 Winter 2015

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

تاثیر فضاهایی پرداختیم که در آن تعاملات اجتماعی میتوانستند صورت بگیرد تا با شناسایی فضاها و عوامل افزایش دهنده ارتباطات و تعاملات اجتماعی و اینکه کدام فضاها بیشترین تاثیر را بر تعاملات اجتماعی دارند به طراحی مجتمع مسکونی بپردازیم که با رعایت ویژگی های مذکور بتواند مکانی را محیا کند که در آنجا تعاملات و روابط مثبت اجتماعی نقشی پر رنگ داشته و آنمکان را جایی مناسب برای زندگی کردن بسازد. فضاهای مورد نظر فضاهایی جمعی بودند که در آنها امکان برقراری روابط اجتماعی صورت میگرفت. فضاهایی همچون لابی، فضای ورزش و بازی برای قشرهای مختلف، فضای اتراق و نشستن، نمایشگاه، فضای اجتماعات، پیاده راه ها و کاربری های جمعی مختلف (تجاری، مذهبی، فرهنگی). با توجه به بررسی های انجام شده در وجود این فضاها میتوانستند سبب شوند که تعاملات اجتماعی و روابط مناسب در میان ساکنین به خودی خود به شکل مناسبی برقرار شود و طراحان این نیاز را با وجود این فضاها برای ساکنین و مردم تامین سازند و سبب بوجود آمدن اهدافی همچون سرزندگی، امنیت، شادابی، اعتماد، سرمایه اجتماعی در مجتمع مسکونی شوند.

منابع و ماخذ

۱. پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶) مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات شهیدی.

۲. پرتوی، پروین (۱۳۸۲) مکان و بی مکانی: رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هنر های زیبا، ش ۱۴، تهران.

۳. پوپر، کارل (۱۳۶۴) جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.

۴. پورجعفر، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۶) رویکرد اندیشه ای در تداوم معماری ایران، صفه، سال ۱۶، شماره ۴۵.

۵. تقوایی، علی اکبر و معروفی، سکینه (۱۳۸۹) تاثیر فضاهای شهری بر ارتقاء کیفیت محیط با تاکید بر نقش مساجد، مقاله برگزیده همایش بین المللی مساجد، تهران.

۶. تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵) ویژگی‌های کیفی مسکن مطلوب، مجله صفه، شماره ۴۳.

۷. توسلی محمود و ناصر بنیادی، (۱۳۸۶) طراحی فضای شهری- فضای شهری و جایگاه ان در زندگی و سیمای شهری، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات

جدول۴. مولفه های تعاملات اجتماعی در راستای معماری جمع گرا؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

اهداف تعاملات اجتماعی
کاهش جرم خیزی؛ افزایش امنیت؛ ایجاد حس سر زندگی و شادابی؛ افزایش [redacted] احیا مشارکتهای فرهنگی و آموزشی؛ ارتقا درک متقابل میان انسانها.

جدول۵. فضاهای تعامل ساز در مقیاس شهری و محله ای؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

ایجاد فضاهای [redacted]	عمومی (شهری)	[redacted] فرهنگسراها -کاربری های فرهنگی؛ نمایشگاه ها و ....
	نیمه عمومی (محله ها، مجتمع های مسکونی [redacted]	فضای بازی کودکان؛ فضای ورزش بزرگسالان؛ واحدهای [redacted] اجتماعی؛آلاچیق و مبلمان مناسب و ...

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

شهرسازی و معماری ایران.
۸. تی هال، ادوارد (۱۹۹۴) بعد پنهان، ترجمه دکتر منوچهر طبیبیان، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. تیبالدز، فرانسیس (۱۳۸۳) شهرسازی شهروندگرا، ترجمه محمد احمدی نژاد، اصفهان، نشر خاک.
۱۰. جان، لنگ (۱۹۹۴) آفرینش نظریه معماری، ترجمه دکتر علیرضا عینی‌فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. جیکوبز، جین (۱۳۸۶) مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمید رضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. چرمایف و الکساندر، سرج و کریستوفر (۱۳۷۱) عرصه‌های زندگی جمعی و خصوصی (به جانب یک معماری انسانی)، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۷۹) جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا، تهران، شماره ۷.
۱۴. حبیبی، سید محسن، اهدی، زهرا و دیگران (۱۳۶۷) مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۱۵. ذبیحی، حسین (۱۳۷۱) تحلیلی بر مجموعه‌های مسکونی در شهر تهران، انتشارات شهرداری تهران.
۱۶. راپاپورت، آموس (۱۳۸۴) معنی محیط ساخته شده، ترجمه دکتر فرح حبیب، انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۷. رای. ال کلیف (۱۳۷۸) مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا، ترجمه آرش ارباب جلفانی، نشر خاک.
۱۸. رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳.
۱۹. رورتی، ریچارد (۱۳۸۳) فلسفه و دموکراسی، ترجمهپیام یزدانجو، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی ایران.
۲۰. شولتز، کریستین نوربری (۱۹۸۷) مفهوم سکونت، ترجمه امیریان احمدی، انتشارات خاک.
۲۱. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۷۸) فرم در معماری، معماری و فرهنگ، سال اول، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۸.
۲۲. شیخ زین الدین، حسین (۱۳۸۱) گفت و گویی درباره زبان و تکنیک، معمار، شماره ۱۷.
۲۳. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت در طراحی شهری، نشریه صفه شماره۳۲.
۲۴. گلکار، کوروش (۱۳۷۹) طراحی شهری پایدار در شهرهای حاشیه کویر، مجله هنرهای زیبا، شماره ۸، زمستان ۱۳۷۹.
۲۵. گلکار، کوروش (۱۳۸۱) طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح های توسعه شهری تهران، انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز.
۲۶. گهل، یان (۱۳۸۷) زندگی در فضای میان ساختمانها، ترجمه شیما شصتی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۷. لنگ جان (۱۳۸۵) طراحی شهری، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. لنگ، جان (۱۳۷۹) آفرینش نظریه های معماری، ترجمه علی رضا عینی فر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. لینچ، کوین (۱۳۷۸) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. لینچ، کوین (۱۳۸۷) تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندهای اجتماعی- مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳۲. مدنی پور، علی (۱۳۸۱) تهران، ظهور یک کلانشهر، ترجمه حمید زرازوند، تهران، انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری.
۳۳. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۷) فضاهای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه دکتر فرشاد نوریان، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۳۴. مرتضوی، شهرناز (۱۳۶۷) روانشناسی محیط، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۳۵. معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴) سیری در مبانی نظری معماری، تهران، انتشارات سروش دانش.
۳۶. هابرماس، یورگن (۱۳۸۱) سیطره عمومی، ترجمه: هاله لاجوردی، فصلنامه ارغنون، شماره ۲۰.
۳۷. هانا آرنت (۱۳۸۵) فصلنامه بخارا، ویژه نامه هانا آرنت، شماره ۸۵، زمستان ۱۳۸۵.
38. Carmona, M (2003) Public places, urban spaces, Architectural press
39. David Dunster, Key Buildings of the 20th Century, Vil.2, Houses 1945-1989, London, Butterworth Architecture, 1990.
40. DETR (2000) By Design, Urban design in Planning System: towards better practice. Commission for Architecture & Built Environment, London
41. Punter،J and Carmona, M (1997) The Design dimension of Planning/E & FN SPON
42. Urban Task Force (1999) Towards an Urban Renaissance, PP 56-59

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]